

سخنرانی مریم رجوی در مراسم گرامیداشت شهیدان ۱۲ و ۱۹ اردیبهشت ۶۱
اردیبهشت ۱۳۹۸

آن‌ها پرچمداران و اثبات‌کنندگان ارزش فدا و صداقت‌اند

سلام به همه شما برادران و خواهران عزیزم!
و گرم‌ترین درودها و سلام‌ها نثار خالقان حماسه مجاهدین در ۱۲ و ۱۹ اردیبهشت ۶۱ در تهران.
سلام به فرمانده محمد ضابطی و دهها مجاهد خلقی که در آن روز و تا یک هفته بعد تا آخرین گلوله جنگیدند.
آن‌ها پرچمداران و اثبات‌کنندگان ارزش فدا و صداقت‌اند.
گفتند مرگ بر خمینی و بر سر این شعار صدق ورزیدند و قیمت دادند.
گفتند رژیم ولایت فقیه ضدبشری، ضدمردمی و دجال است
و کمترین شایستگی و مشروعیتی برای حاکمیت بر مردم ایران را ندارد.
گفتند باید در مقابل این رژیم ایستاد و برای سرنگونی‌اش جنگید
و خودشان پیشتاز و پیشقراول این مقاومت شدند.

در آن روز علاوه بر محمد ضابطی مجاهدان سرفرازی مثل: قاسم باقرزاده، حمید جلال‌زاده، نصرت رضانی، سوسن میرزایی، پری یوسفی، زکیه محدث، احمد کلاهدوز، محمد تواناییان‌فرد، فاطمه مهدوی کرمانی، فضل‌الله تدین، اقدس تقوی و امیرهوشنگ آق‌بابا.

آن‌ها به نبردی دست زدند که ساعت‌ها ادامه داشت و مردم یک منطقه وسیع از تهران از آن باخبر شدند.
در پایگاه‌های دیگر هم، مجاهدین قهرمان حمید خادمی، فرشته ازهدی، حسن صادق، حسن رحیمی، مهین ابراهیمی، معصومه میرمحمد و مادر مجاهد ایران بازرگان و پروین ملازینعلی طاهری، مهین خیابانی، تقی اوسطی، سعید منبری، غلامعلی صادقی، مژگان موفق، نسرين صادقی، حسین جلیلی پروانه، مریم شفایی و علی انگبینی و محمد تقی آسیم در نبردی نابرابر به شهادت رسیدند.

در همان روز پایگاه دیگری از مجاهدین در نارمک مورد حمله قرار گرفت. در این پایگاه تنها یک شیرزن مجاهد، خدیجه مسیح حضور داشت که یک‌تنه با آتش مسلسل خود به مزدوران خمینی که از چند طرف حمله کرده بودند جواب می‌داد.

یک هفته بعد در ۱۹ اردیبهشت تعدادی دیگر از مسئولان مجاهدین از جمله فاضل مصلحتی مهری خانبانی، حمید لولاچیان، حسن کلکته‌چی، زهرا طباطبایی، بهرام قاسمی، زهرا شیخ‌السلام، وجیهه عبادی، عباس همایون‌نژاد، محمد عسکری زاده، فاطمه ابوالحسنی، فائزه بهاری‌جوان، زهرا(نائمه) عمرانیان و بهروز اسدالله‌زاده، بعد از یک نبرد طولانی و مقاومت حماسی به شهادت رسیدند.

و مجاهد شهید حسین امیرپناهی که پیکر نیمه‌جانش به دست پاسداران افتاد و در زیر شکنجه به شهادت رسید. این‌ها قهرمانان فراموشی ناپذیر ملت ایران‌اند و هم‌چنان که در اولین سالگرد شهادت‌شان مسعود رجوی گفت: «به‌حق برجسته‌ترین مصادیق ستارگان پیشتاز رهایی یعنی ستارگان شبکوب و راهگشا در دوران ما هستند».

می‌دانید که بعد از شروع حاکمیت خمینی محمد ضابطی از مسئولین بخش اجتماعی سازمان بود. بخش اجتماعی از لحاظ کمی و کثرت اعضا و هوادارانی که در آن بودند، بزرگ‌ترین بخش سازمان بود. از بخش‌های دانشجویی تا محلات و کارمندی و دانش‌آموزی و کارگری و بخش‌های دیگر همه در این بخش سازمان پیدا کرده بودند. در آن زمان به‌خاطر رو آوردن بی‌وقفه جوانان به مجاهدین که واقعا هفته به هفته بیشتر می‌شد بخش اجتماعی سازمان دائماً در حال گسترش بود.

فرماندهانی مثل مهدی کتیرایی که در فروغ جاویدان شهید شد یا حمید خادمی، قاسم باقرزاده، نصرت رضانی، حسن رحیمی و حسن صادق از مسئولان این بخش بودند با شایستگی تمام بخش اجتماعی را سازمان دادند و پیش بردند و پایگاه اجتماعی مجاهدین را به‌حدی رساندند که خمینی واقعاً وحشت کرده بود. محمد ضابطی و یارانش در حقیقت پایه‌گذار تشکیلات میلشیا بودند.

بعد از سی خرداد هم قسمت عمده‌یی از بخش اجتماعی وارد مقاومت مسلحانه علیه رژیم شد و در آنجا هم محمد ضابطی در موضع فرماندهی آن‌ها قرار داشت.

تاریخ این چند دهه نشان داد بدون این قیمت‌های کلان و در راسش مسعود رجوی بود که قیمت این خون‌ها را داد. خون‌هایی که از پیکر او به زمین ریخت.

هیچ‌کس شاید نتواند تصور کند که چقدر سخت و دردناک در شهادت هریک از این خواهران و برادران گریست.

تاریخ نشان داد که بدون این بها، امکان بقا و ماندگاری برای ادامه مبارزه وجود نداشت. به خصوص الان که سال‌ها گذشته وقتی از دور به آن نگاه می‌کنیم خیلی بهتر و بیشتر معنی آنرا می‌فهمیم.

در فردای همان روز ۱۲ اردیبهشت که مجاهدین آن قهرمانی‌ها و جانفشانی‌ها را کردند صحنه عبرت‌آموزی در تلویزیون رژیم پخش شد که لابد شنیده‌اید.

در نقطه مقابل مجاهدین به مقاومت دست زدند.

گذشت روزگار و سیر تاریخ نشان داد که همین سیاست و استراتژی صحیح بوده و هست.

و شهیدان ۱۲ اردیبهشت برای همین خط انقلابی پاکبازی کردند. در هر حال و هر چه پیش بیاید و تحولات ایران در هر مسیری که پیش برود، کاری که آن شهیدان و همه شهیدان ما در تاریخ این چهار دهه کرده‌اند برسرنوشت آینده ایران عمیقاً مؤثر است.

آن ارزش سرخ‌فامی هم که تاریخ مقاومت ایران آفریده ایستادگی بر سر پیمان است.

ایستادگی و پایبندی به سوگند است.

و این ارزشی است که هیچ وقت کهنه نمی‌شود و همیشه تازه و انگیزاننده است.

این توضیح را از این بابت دادم که ببینیم که ما امروز چه نگاهی به آن‌ها داریم و چه ارتباطی میان موقعیت امروز خودمان با آن‌ها می‌بینیم؟

حتما شما این شب‌ها صحنه‌های شهدای ۱۲ اردیبهشت و ۱۹ اردیبهشت را از سیما می‌بینید.

گویی چهره‌های آن‌ها مجدداً با ما حرف می‌زنند ولی در دنیای جدید.

خیلی از شما گفته‌اید انگار تازه آن‌ها را با این عمق می‌شناسید و می‌گویید که انگار پرده‌هایی کنار رفته و جایگاه و ارزش آن‌ها را طور دیگری می‌فهمید.

راستش من هم احساسات شما را داشتم و دارم.

به خصوص این روزها با خودم فکر می‌کردم که موضوع چیست؟

راستی مشیت این همه خون و جانفشانی آن‌هم از بهترین و ارزنده‌ترین کادرهای مسئول سازمان از خواهران و برادرانمان که بواقع هر یک بی‌نظیر بودند.

ابتدا و قبل از هر چیز دوباره فدای بیکران مسعود رجوی را می‌توان در این صحنه‌ها به چشم دید.

راستی چقدر سخت و دردناک و جانکاه است اما در ورای همه رنج‌ها و سختی‌ها یک چیز می‌درخشد و آن شرافت باز یافته انسانی در راس این مقاومت و سازمان است.

راستی اگر این جانفشانی‌ها نبود الان مجاهدین کجا بودند؟

راستی اگر مسعود از این خون‌ها در بالاترین قله ممکن حفظ و حراست نمی‌کرد چه می‌شد؟ و چه چیز باقی می‌ماند؟

احساسی که این روزها داشتم این بود که این شرافت انسانی که با هیچ چیز در دنیا قابل معامله و تعویض نیست. در آخر می‌خواهم از مجاهد صدیق خواهر عزیزم مرضیه رضایی یاد کنم که یک‌سال پیش در همین روزها یگانه و سبکبال به‌سوی خدای بزرگ پرکشید و رستگار شد. و الان با شهدای ۱۲ اردیبهشت و ۱۹ فرودین و جاودانه فروغ‌ها و ۱۲۰ هزار شهید محشور است. یادش گرامی و ارزش‌هایش ماندگار باد.